

ادامه از صفحه اول

سالخوردگی جمعیت عیب نیست

از اواسط دهه ۱۳۹۰دهه‌شصتی‌ها به رده سنی ۳۰ تا ۴۵سالگی رسیدند و از نقطه اوج خارج شدند که علت اصلی کاهش ازدواج، مولاید و به تبع آن میزان رشد سالانه جمعیت در سال‌های اخیر است و این پدیده‌ای کاملا طبیعی است و مطلقا معنی بحران ندارد.

در سال ۱۴۳۰ دهه‌شصتی‌ها به‌طور طبیعی به سنین سالخوردگی و ۶۵ سال به بالا خواهند رسید.

در این زمان ساختار سنی کشور سالخورده خواهد شد، نوسانات ساختار سنی فروکش خواهد کرد و به رشد ذاتی جمعیت خواهیم رسید. به عبارت بهتر انبوه متولدان دهه ۶۰ که هرم جمعیت کشور را دچار برآمدگی یا بیرون‌زدگی غیرطبیعی کردند، در مقطعی جمعیت نونهالان و خردسالان را به‌طور غیرطبیعی بالا برند و مشکلاتی خلق کردند و در مقطعی جمعیت کودکان و نوجوانان را بالا برند و کمبودهای شدیدی به‌ویژه در حوزه آموزش به وجود آوردند و در مقطعی – که تاکنون هم ادامه دارد- جمعیت جوانان را افزایش دادند و کمبودهای شدیدی در حوزه‌های اشتغال، سرمایه‌گذاری، مسکن و رفاه و… خلق کردند، طبعاً وقتی به سن سالخوردگی هم برسند، مشکلاتی به وجود می‌آورند و نهایتاً از آن سن هم عبور می‌کنند و دوباره ساختار سنی جامعه طبیعی می‌شود (از شکل هرمی به شکل استوانه‌ای و مطلوب تغییر می‌یابد).

نکته مهم اینجاست که راه اصلاح برآمدگی در هرم سنی این نیست که با هزار جور و جهد در افزایش زادوولد، برآمدگی غیرطبیعی دیگری در هرم سنی به وجود آوریم بلکه راه آن، ایجاد اشتغال پایدار، بالابردن سطح رفاه و شاخص‌های تعالی و منزلت انسان و توانمندکردن جمعیت در آستانه سالخوردگی است.

فراموش نکنیم با افزایش ناگهانی رشد جمعیت، جمعیت سالخورده کاهش نمی‌یابد بلکه به جمعیت نوزاد، نونهال، کودک و… اضافه می‌شود. چنانچه با برنامه‌ریزی، ایجاد اشتغال، امنیت اقتصادی و روانی – و نه روش‌های ناپیچا و ناکارآمد پرداخت پول- ازدواج تسهیل شود و با ارتقای سطح سلامت فرهنگی و روانی جامعه، ازدواج‌ها «پایدار» شوند، در یکی، دو دهه آتی میانگین میزان باروری کم‌وبیش در سطح جانشینی حفظ می‌شود و به هنگام سالخوردگی جمعیت – که امری گریزنابذیر است- در ورطه رشد منفی نخواهیم افتاد.

سالخوردگی جمعیت یک مفهوم آماری است، درحالی‌که پیری جنبه بیولوژیک و فردی دارد. با هزار تأسف برخی جمعیت‌شناسی خوانده‌های مدعی، به‌جای واژه «سالخوردگی» جمعیت، به غلط «پیری» جمعیت را به کار می‌برند.

ما به‌هیچ‌روی حق نداریم از سالخوردگی جمعیت هول‌وهراس بیافرینیم. همه ما، حتی جوان‌ترین آدم‌ها، در زمانی نه‌چندان دور به ۶۵سالگی می‌رسیم و طبق تعریف در زمره جمعیت سالخورده قرار می‌گیریم. آیا رواست ادبیاتی به کار بگیریم که انگار جمعیت سالخورده برای ملک و ملت حکم بار اضافه را دارند و خطرناک‌اند؛ آن‌هم در فرهنگی که این همه حرمت برای سالخوردگان و موی و ریش سپید قائل است؟

زاین هم‌اکنون سالخورده‌ترین جمعیت دنیا را دارد و اتفاقاً از جمله پیشرفته‌ترین کشورهای دنیاست. هیچ‌وقت هم در رسانه و مجلس و دولت‌ش این‌چنین بلوا و هراس آفرینی و هوجی‌گری به راه نمی‌اندازند. توجه داشته باشید طبق آخرین آمار فقط شش درصد جمعیت ایران در سن سالخوردگی هستند، درحالی‌که ۲۸ درصد جمعیت زاین در این سن قرار دارند. کشورهای قاره اروپا عموماً بیش از ۲۰ سال است که جمعیت سالخورده دارند.

در نیمه دوم قرن ۲۱ میلادی همه کشورهای جهان (حتی قاره آفریقا) ساختار سنی سالخورده خواهند داشت و این اتفاقی کاملاً طبیعی است که کسانی که از دانش جمعیت‌شناسی بی‌بهره‌اند، از آن به‌عنوان بحران (!) یاد می‌کنند. بزرگ‌ترین دانشمندان ما، بهترین پزشکان ما، با‌دانش‌ترین استادان ما و اکثر مسئولان، سیاست‌مداران، مدیران، متفکران و علمای ما در سنین سالخوردگی‌اند و با انباشت دانش و تجربه به کشور و ملک و سرزمین و ملت خدمت می‌کنند. اصلاً روا نیست بی‌جهت مردم و مسئولان را از پدیده‌ای تا بدین‌سان طبیعی بترسانیم.

به قول صائب تبریزی بزرگ:

کنش‌ای از دم بیران بود جوانان را

به خاکبوس هدف تیر، بی‌کمان نرسد

«استاد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران مشاور مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع جمعیت کشور

رئیس سابق انجمن جمعیت‌شناسی ایران

به‌هرحال در جواب دادستانی رمانی آمده است:

ادامه از صفحه‌اول

«کالبدشکافی غلامرضا منصوری نشان می‌دهد مرگ وی با خشونت و شتاب‌زدگی بوده است». دادستان بخارست در ادامه آورده است «مرگ منصوری به دلیل جراحات ناشی از اصابت شیء سختی بوده که در حالت طبیعی رخ نداده است». تفسیر خودکشی با خشونت و شتاب‌زدگی کار متخصصان پزشکی قانونی و کارآگاهان پلیس است اما نمی‌توان این مسئله را نادیده گرفت که وقتی فردی مانند یک قاضی ملیس به لباس روحانیت است، چرا باید خودکشی کند و حتی اگر قصد خودکشی داشته باشد، سعی می‌کند در آرامش و بدون خشونت آن را انجام دهد؛ البته که تمام فرض‌ها و بررسی صحت و سقم ادعاهای مطرح‌شده با پلیس است و نمی‌توان تا تکمیل نتایج تحقیقات قضاوتی کرد. با توجه به اقدامات منصوری در روز حادثه مانند حضور در پایگاه پلیس برای امضای برگه حضور و غیاب خود و تسویه بخشی از هزینه‌های هتل و دیدار با یک

گزارش دادستانی رومانی از کالبدشکافی قاضی متواری به ایران رسید

قاضی منصوری کجاست

کوچک‌زاده؛ منصوری با حيله خودکشی توانسته بگیریزد

جوان و صحبت چنددقیقه‌ای با او در لابی هتل همگی حاکی از روال عادی زندگی این قاضی است و کمتر روان‌شناس جتایی یا حقوق‌دان کیفری می‌تواند چنین مواردی را قبل از خودکشی یک متهم فراری به یاد آورد. تحلیل رفتار منصوری در روز حادثه و ادعای مکرر وکیلش از قصد او برای بازگشت به ایران و حضور در دادگاه نیز دلیل دیگری برای نادیده‌گرفتن ادعای خودکشی است. او تنها متهمی است که هم‌زمان با برگزاری جلسه اول دادگاه فیلمی از خود منتشر کرد و گفت به دستگاه قضائی کشور اعتماد دارد و برای برقراری عدالت به ایران بازمی‌گردد و تقریباً بدون در اتهاماتش مدعی شد فرصت دفاع از خود را در دادگاه از دست نخواهد داد. او که از بیماری لاعلاجش سخن گفته بود، باز هم انکیزه و امید برای ادامه حیات داشت و عزمش را برای برگشت به کشور جزم کرده بود. طبق اطلاعاتی که در فضای مجازی منتشر شده است، او در برابر پیشنهاد در خواست تابعیت برای عدم استرداد به ایران نیز مقاومت کرده و خود شرایط استرداد را پذیرفته

وزیر کشور در پاسخ به پرسش نمایندگان درباره حوادث آبان ۹۸

سکوت پشت تریبون علنی



اردشیر مطهری، نماینده مردم گرمسار نیز

گفت: «چه کسی پاسخ‌گوی خسارات جانی و مالی اغتشاشات بنزین است؟ آیا یک نفر از مسئولان را به دادگاه بردید و پای میز مذاکره از آنها پرسیدید که نقش شما در این قضیه چه بود؟ در گران‌شدن بنزین بحثی وجود ندارد ولی روش این افزایش قیمت صحیح نبود».

او وزیر کشور را مسئول پاسخ‌گویی در زمینه حاشیه‌های ایجادشده پس از تغییر قیمت بنزین دانست.

هادی بیگی‌نژاد، نماینده مردم ملایر هم با اشاره به حد متوسط پول پیش مسکن و هفت‌برابر شدن قیمت دلار، حقوق کارگران و قیمت جدید پراید گفت: «من از این وضعیت خجالت می‌کشم، آیا شما خجالت نمی‌کشید؟».

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس نیز گفت:

«خواسته نمایندگان این بوده که با توجه به شرایط کشور توجه بیشتری به موضوع آسیب‌های اجتماعی شود و خصوصاً به نهادهای مردمی که

به آسیب‌های اجتماعی کمک می‌کنند، توجه شود.

همچنین مدیران مناطق محروم و دورافتاده معمولاً کم‌تجربه‌تر هستند؛ درحالی‌که این مناطق نیازمند انسان‌های باسابقه‌تر است و در عزل‌ونصب‌ها باید به این موضوع توجه شود. برخی از دوستان حرفشان این است که دنبال تغییر مدیران نیستیم ولی آنهایی که ناکارآمد هستند، باید مورد بازنگری قرار گیرند».

هیچ‌کس راضی نیست خون از دماغ هم وطنی ریخته شود

در ادامه باز هم وزیر کشور این‌گونه پاسخ نمایندگان را داد: «بنده از همین‌جا اعلام آمادگی می‌کنم که در هر زمینه‌ای که دوستان تشخیص دادند، بنده در مجلس شورای اسلامی حاضر شده و به آنان توضیح دهم. در خصوص مسائل امنیتی نیز نمی‌توان همه مسائل را از پشت تریبون مطرح کرد. اگر لازم است جلسه غیرعلنی برگزار شده تا بنده به‌طورکامل قضیه را توضیح دهم. طرح برخی از مسائل پشت تریبون به این‌گونه صحیح نیست». رحمانی فضلی افزود: «اگر ما اصولگرا هستیم،

باید به اصول اخلاقی و رفتاری پایبند بوده و از آنها تبعیت کنیم. صحبت‌هایی که دوستان در خصوص بحران داشتند، حاکی از آن بود که از بحران هیچ اطلاعی ندارند. موضوع بنزین مصوبه سران قوا بود و در شورای عالی امنیت ملی و دولت مطرح شده بود و کل کشور آمادگی لازم برای اجرای آن را داشت؛ چراکه دقیقاً یک سال در سه کمیته فنی، تبلیغاتی و انتظامی پیگیری شده بود».

او گفت: «بارها اجرای این تصمیم به عقب افتاده بود تا تدابیر لازم اندیشیده شود. هیچ‌کس راضی نیست که یک قطره خون از دماغ کسی ریخته شود. بنده از همین‌جا از تمام تیرهای امنیتی و انتظامی که در صحنه بودند تشکر می‌کنم. دلیل آن اتفاقات نیز به دلایل خاصی بازمی‌گردد که اینجا جای گفتن آن نیست. به‌راحتی نمی‌توان به افرادی که امنیت کشور را تأمین می‌کنند، اتهام زد».

همه ما در پی اعتمادی مردم نقش داریم

وزیر کشور با تأکید بر اینکه کاهش کاهش سرمایه اجتماعی نتیجه عملکرد همه دستگاه‌هاست، بیان کرد: «بی‌اعتمادی مردم و کاهش سرمایه اجتماعی صرفاً به عملکرد یک دستگاه بازمی‌گردد بلکه هر یک از ما به نوبه خود در آن نقش داریم. زمانی که مسائلی غیرقابل‌اثبات و بدون استناد از پشت تریبون مجلس شورای اسلامی به گوش می‌رسد و شنونده آن را می‌شنود، قطعاً بی‌اعتمادی رخ می‌دهد. باید از تریون مستند حرف برنیم. بنده در هر زمینه‌ای که مسئولیت داشته و خطا کرده‌ام، آن را می‌پذیرم».

او با اشاره به اینکه گرانی کالاها به وزارت کشور بازمی‌گردد، گفت: «اینکه بگویم پراید گران شده و اکنون وزیر کشور باید پاسخ‌گو باشد، ربطی به وزارت کشور ندارد».

حال باید منتظر ماند و دید وزیر بعدی که قرار است برای پاسخ‌گویی به میدان بهارستان برود، چه کسی است و بالاخره در چه زمانی اولین استیضاح کلید می‌خورد.

مهم، اسطکاکی بین مجلس و دولت داشته باشیم؛ چون اراده‌ای که در نهادهای بالادستی هست، تنش بین قوا را نمی‌پذیرد.

لا در این هفته دو وزیر مهم دولت روحانی یعنی آذری جهرمی و رحمانی‌فضلی که تقریباً با مردم در ارتباط مستقیم کاری هستند، به مجلس فراخوانده شدند. فکر نمی‌کنید اینس می‌تواند معنی خاصی داشته باشد؟

من فکر می‌کنم باید تفسیرها را به آینده موکل کنیم و زود قضاوت نکنیم. من اگرچه به فرایند شکل‌گیری این مجلس انتقادات جدی دارم ولی معتقدم وقتی مجلس تشکیل شده است، باید اجازه داشته باشد به وظایف خود عمل کند. اگر این مجلس بتواند به‌راحتی وزرا را احضار و از آنان پرسش کند، این امر در نهایت نهادینه می‌شود و باعث می‌شود مجالس قوی نیز همین مسیر را دنبال کنند.

صداسیما پس از تأیید دو نماینده رئیس‌جمهور، در شورای نظارت سازمان تخصیص داده شود. صداسیما با تورم نیرو روبه‌روست. علی‌عسکری، رئیس سازمان صداوسیما، اسفند دو سال گذشته در اعتراض به بودجه این سازمان مقایسه‌ای بین بودجه سازمان خود با شبکه فارسی بی‌بی‌سی انجام داده بود: «حدود شش هزار میلیارد تومان فقط هزینه اداره شبکه بی‌بی‌سی فارسی‌زبان می‌شود و باید پرسید چرا باید برای یک شبکه در انگلستان این‌گونه هزینه شود و یک سازمان بزرگ با ۱۴۵ شبکه در شرایط بسیار سختی اداره شود». دو سال پیش علی لاریجانی، رئیس وقت مجلس، بعد از گذشت سال‌ها از تحویل صندلی ریاست صداوسیما به عزت‌الله ضرغامی در انتقاد گفت: «اینکه می‌شد با ۱۲،۱۰ هزار نفر کار کرد، ولی ناگهان تعداد کارکنان این سازمان به ۳۶ هزار نفر رسید. مهم است». این نقد با جواب ضرغامی هم روبه‌رو شد؛ هرچند ضرغامی استفاده‌ها را به زمان لاریجانی نسبت داد؛ اما مسئله مدنظر این است که او تعداد کارمندان را ۳۳ هزارو ۶۰۰ نفر اعلام کرد. باوجوداین خبرگزاری‌ها کارمندان صداوسیما را چیزی بین ۵۰ تا هزار نفر تخمین می‌زنند.

سیاست

خبر

رئیس قوه قضائیه:

هیچ منطقه ممنوعه‌ای در قوه قضائیه نداریم

● **شرق:** سیدابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه در گفت‌وگویی تلویزیونی با مردم که از شبکه یک سیما پخش شد، از رسیدگی‌های علنی در محاکم، حمایت از روزنامه‌نگاری که از مفاسد و معضلات گزارش تهیه می‌کنند و فسادزایی از دستگاه قضا و ماجرای شفاف‌سازی حساب‌های قوه قضائیه گفت و به تشریح مهم‌ترین اقدامات دستگاه قضا در یک سال گذشته پرداخت.

برخورد قضائی با خبرنگاران و روزنامه‌نگارانی که مفاسد اقتصادی را افشا می‌کنند، امری معمول بوده و برخی خبرنگاران تجربه‌های تلخی از انجام وظیفه خود در راستای شفاف‌سازی و مبارزه با مفاسد داشته‌اند. ازاین‌رو رئیسی در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا از خبرنگاران و اصحاب رسانه که معضلات را می‌بینند و آنها را گزارش می‌کنند، حمایت می‌شوند؟ گفت: در قوانین بعضی از کشورها این قضیه وجود دارد که مخبرین و کسانی که خلاف و فساد را خبر می‌دهند، موردحمایت و تشویق قرار گیرند. این موضوع یک اصل اسلامی است و در فقه ما و در قانون ما هم وجود دارد که کسانی که فساد را به مسئولان مربوطه اعلام کنند، حتماً باید مورد تشویق قرار گیرند.

رئیسی افزود: من اینجا اعلام می‌کنم آن دسته از خبرنگاران، اصحاب رسانه یا هر فرد مسئولی که نارسایی یا فساد را به مسئول مربوطه یا مسئولان مربوطه اعلام کرده، حتماً بداند که در امان است. البته نکته‌ای که باید مدنظر باشد و در حاشیه باید عرض کنم، این است که افرادی نباید و تهمت بزنند و شایعه‌پراکنی کنند و افراد دیگری را بدون استناد، مورد هتک حرمت قرار دهند؛ همه این موارد مردود است و نباید باشد و اگر کسی از فساد مطلع شده است که در حال اتفاق است و آن را به مسئول مربوطه اطلاع دهد، این فرد به‌هیچ‌عنوان نه‌تنها نباید تحت تعقیب قرار گیرد بلکه باید مورد تشویق هم قرار بگیرد.

حساب‌های قوه قضائیه که در دوران ام‌لی‌لاریجانی به چالشی جدی تبدیل شده بود، سؤال بعدی بود که رئیسی درباره اقدامات خود در جهت شفاف‌سازی این حساب‌ها گفت: حساب‌های قوه قضائیه یک دغدغه شده بود و عده‌ای آن را دستاویز مسائل سیاسی قرار داده بودند و برخی نیز حقیقتاً دنبال این بودند که مسئله چیست. وی بیان کرد: ما در این زمینه گزارش دادیم و در این ارائه گزارش هم ضرر نکردیم. این اطلاعات در معرض دید مردم قرار گرفت و معلوم شد که پول از کجا آمده، مبلغ آن چقدر است و کجا مصرف شده است. این گزارش توانست برای مردم اطمینان‌بخش باشد. رئیس قوه قضائیه با بیان اینکه این شفافیت به اطمینان‌بخشی دستگاه قضائی و کار قوه قضائیه و مردم کمک می‌کند، تصریح کرد: در مسائل اقتصادی بنده تأکید دارم قانون اجرا شود، اصلاً بحث شفافیت را بعضی می‌خواهند شعاری کنند. ولی ما معتقدیم چه اشکالی دارد که قراردادها پشت وپزین بیاید و همه بدانند؟ چه اشکالی دارد که بداند تسهیلات بانکی را که به افراد پرداخت می‌شود، چه کسی گرفته است؟

مبارزه با فساد درون سیستمی قوه قضائیه «که بعد از ۲۰ سال نمایان شده و با پرونده فساد باند طبری و قضات معروفی چون بیژن قاسم‌زاده و غلامرضا منصوری و... همراه بوده است» موضوع بعدی بود که رئیسی به توضیح آن پرداخت و گفت: حتماً سلامت دستگاه قضائی می‌تواند به سلامت اداری در کشور کمک کند و به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی با دستمال تمیز می‌شود شیشه را پاک کرد و اگر دردمند خودش کثیف باشد، نمی‌شود این کار را انجام داد. ایشان همواره در این مورد تأکید کرده‌اند و یک امر بهانه‌ی عقلانی و قطعی برای همه آحاد کشور و مردم عزیز ماست. وی تصریح کرد: دستگاه‌هایی که امر مبارزه با فساد را بر عهده دارند، باید خودشان از سلامت کامل برخوردار باشند و هرگونه ناسلامتی را باید برای خودشان سبب نام کنند. با آن‌ها هم وجود برخورد کنند. این یک اصل برای آن دستگاه‌هایی است که در این رابطه مسئولیت دارند و به‌ویژه آنهایی که در خط مقدم مبارزه با فساد هستند؛ بنابراین صیانت از دستگاه قضائی و حفظ سلامت دستگاه قضائی اصلی است که همواره بر آن تأکید شده و می‌شود. رئیسی در ادامه سخنان خود گفت: آمار فساد در دستگاه قضائی نسبت به سایر مجموعه‌ها، آمار بالایی نیست و حتی درباره تخلفات قضات، دادستان انتظامی قضات چندی پیش در جلسه مسئولان عالی قوه قضائیه، عدد یک درصد را اعلام کرد؛ اما یک درصد هم برای مجموعه ما زیاد است.

رئیس دستگاه قضائی در ادامه برنامه تلویزیونی در مقابل این پرسش که «منطقه ممنوعه در مبارزه با فساد کجاست» تأکید کرد: ما هیچ منطقه ممنوعه‌ای در قوه قضائیه نداریم؛ جز یک نکته که من در جلسات افکاره کردام و در محضر مردم عزیز عرض می‌کنم و به قضا محترم عرض کردیم که فقط خط قرمز شما بی‌استناد حکم‌کردن و بی‌استناد نظردادن است، وگرنه در مورد هرکس و در هر جایگاه، پرونده‌ای مستند و سخی مستند باشد، قابل پیگیری و تعقیب است و برابر قانون مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.